بانک سوالات آزمون دکتری

زبان و ادبیات عربي

(۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

مجمـوعه سوالات آزمون دکتری -با پاسخنامه کاملاً تشریحی – همراه با نکات طلایی و آزمونی

۱ ترجمه و تعریب متون

۲ صرف و نحو

۳ علوم بلاغي (معاني، بيان بديع، عروض)

۴ تاریخ ادبیات عرب

۵ درك و فهم متون ادبي (قديم و جديد)

مؤلف:

منصوره دعاگوی کربلایی

انتشارات اندیشه ارشد

فهرست مطالب

سؤالات دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۰	۶
پاسخنامه دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۰	۲۷
سؤالات دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۱	۵۸
پاسخنامه دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۱	۷۸
سؤالات دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۲	۱۰۶
پاسخنامه دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۲	۱۲۵
سؤالات دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۳	۱۴۸
پاسخنامه دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۳	۱۶۵
سؤالات دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۴	۱۸۸
پاسخنامه دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۴	۲۰۷
سؤالات دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۵	۲۲۸
پاسخنامه دکتری زبان و ادبیات عربی ۱۴۰۵	۲۴۸
سؤالات دکتری زبان عمومی ۱۴۰۰	۲۷۴
پاسخنامه دکتری زبان عمومی ۱۴۰۰	۲۷۹
سؤالات دکتری زبان عمومی ۱۴۰۱	۲۸۵
پاسخنامه دکتری زبان عمومی ۱۴۰۱	۲۹۰
سؤالات دکتری زبان عمومی ۱۴۰۲	۲۹۶
پاسخنامه دکتری زبان عمومی ۱۴۰۲	۳۰۱
سؤالات دکتری زبان عمومی ۱۴۰۳	۳۰۷
پاسخنامه دکتری زبان عمومی ۱۴۰۳	۳۱۳
سؤالات دکتری زبان عمومی ۱۴۰۴	۳۲۰
پاسخنامه دکتری زبان عمومی ۱۴۰۴	۳۲۶
سؤالات دکتری زبان عمومی ۱۴۰۵	۳۳۴
پاسخنامه دکتری زبان عمومی ۱۴۰۵	۳۴۰

.

مـجـموعه سوالات وپاسخنامه

دکتری زبان و ادبیات عربی

آزمون دکتری سال ۱۴۰۰(با پاسخ های کاملاً تشریحی)

دکتری

۱۴۰۰

سؤالات دکتری زبان و ادبیات عربی

■■ عَیِّنِ الأنسبَ و الأدَقَّ فی الجَوابِ عَنِ التَّرجَمَة أو التَّعریب أو المَفهوم (۱–۱۰)

۱- عَیِّنِ الصحیح:

۱) ﴿وَ زِنُوا بالقِسطَاسِ المُستَقِیمِ﴾: و با ترازوی سالم وزن کنید!

۲) ﴿الشُّعَرَاء یَتَّبِعُهُمُ الغَاوُونَ﴾: گمراهان از شاعران تبعیّت می‌کنند!

۳) ﴿أُزلِفَتِ الجَنَّةُ لِلمُتَّقِینَ﴾: بهشت برای تقواپیشگان آورده می‌شود!

۴) ﴿إنّی لایخاف لدیّ المرسلون﴾: قطعاً نزد من فرستادگان نمی‌هراسند!

۲- «إنّ الله سبحانه یختبر عباده المستکبرین فی أنفسهم بأولیائه المستضعفین فی أعینهم!»: الله سبحانه و تعالی ...

۱) بندگان خود را که از درون مستکبر شده‌اند، بوسیلهٔ دوستان خود که در چشمان آنان مستضعف هستند می‌آزماید!

۲) عبادی را که در خویشتن مستکبر گشته‌اند، بوسیلهٔ دوستانی آزمایش می‌کند که در نظر آن مستکبران، مستضعف گشته‌اند!

۳) بندگان خود را که در نزد خود مستکبر هستند، بوسیلهٔ دوستان خود که در نظر آن مستکبران مستضعف هستند، می‌آزماید!

۴) عباد مستکبر را که نزد خویش بزرگ و چشمگیر شده‌اند بوسیلهٔ دوستانی می‌آزماید که در چشمان آن مستکبران به استضعاف کشیده شده‌اند!

۳- «فما لعینیکِ، إن قلتَ اکْفُفا هَمَتا / و ما لقلبکَ، إن قلتَ استَفِق یَهِمِ!»:

۱) چشمهایت را چه شده، چرا وقتی به آنها گفته می‌شود دست از اشک ریختن بردارید، می‌گریند، و قلبت را چه شده که چون گفته می‌شود بیدار باش، حیران‌تر می‌گردد!

۲) چرا چون از دو چشمت می‌خواهی که نگریند، شروع به اشک ریختن می‌کنند؛ و چون قلبت را به هوشیاری دعوت می‌کنی، حیرت‌زده می‌گردد!

۳) چشمانت را چه شده که اگر بگویی از اشک باز ایستید؛ اشکشان جاری می‌شود؛ و قلبت را چه شده که اگر بگویی هوشیار باش حیران می‌شود!

۴) چرا وقتی به دو چشمت می‌گویی اشک نریزند، اشک می‌ریزند؛ و وقتی به قلبت می‌گویی هوشیار باشد، سرگردان می‌شود!

۴- «و لا تزدهی الأجهالُ حلمی، ولا أُری / سؤُولاً بأعقابِ الأقاویل أنْمَلُ!»:

۱) حلم من نمی‌تواند رؤیاهای مرا زینت بخشد، و در خواب هم نمی‌بینم که از سخنان مردم پرس‌وجو نمایم!

۲) صبر و حلم من باعث زینت جاهلان نمی‌گردد، و من با سؤال خویش انگشت بر سخنان مردم نمی‌گذارم!

۳) کسی ندیده که نادانها بردباری مرا از بین ببرند، و یا من همچون مورچگانی جستجوگر به دنبال حرفهای مردم باشم و نمّامی کنم!

۴) جهالتها نمی‌توانند حلم مرا به سبک‌رفتاری بدل کنند، و دیده نمی‌شوم که به دنبال حرفهای مردم باشم و سخن چینی کنم!

۵- «لیس یُنجی الّذی یوائل منّا / رأسُ طود أو حرّةٌ رجلاءُ!»:

۱) هرکس با ما دوستی کند به قلعه‌های رفیع شرف و آزادگی دست خواهد یافت آنگونه که کسی را بر او دسترسی نباشد!

۲) هیچ‌کس نیست که بتواند با واسطهٔ دیگری غیر از ما به قلّهٔ بلند کوه عزّت و زمینهای هموارِ شرف برسد!

۳) کسی که افراد هم‌پیمان ما را از قلّه‌های کوه و زمینهای سخت و ریگزار نجات دهد وجود ندارد!

۴) کسی را که از ما می‌گریزد، قلّهٔ کوه یا زمین ریگزار وسیع هم او را نجات نمی‌دهد!

۶- «أودّ لو غرقت فی دمی إلی القرار / لأحمل العبءَ مع البشرْ / و أبعث الحیاة، إنّ موتی انتصارُ!»:

۱) آرزو دارم که غرق در خون شوم برای رسیدن به آرامش، تا سنگینی بار را همراه مردم به دوش کشم، و زندگی را دوباره آغاز کنم، چه مرگ شروع پیروزی است!

۲) دوست دارم که کاش غرق خون گردم تا به سکون برسم، و بار سنگین را همراه گروه مردم تحمّل کنم، و زندگی را دگرگون سازم، که مرگ من برابر پیروزی است!

۳) دوست دارم کاش در مسیر حرکت بسوی آرامش در خون خود غرق شوم، تا این بار را همراه افراد بشر به دوش کشم، و به زندگی نشاط و جان تازه بخشم، که مرگ من پیروزی است!

۴) آرزو می‌کنم کاش در خون خویش غرق شوم بسوی وعدهٔ داده شده، تا این بار سنگین را تحمّل کنم، و زندگی را دگرگون کنم، که مرگ همان پیروزی است!

۷- «انتخب من جیشه أبناء الغایات و آساد الغابات!». عَیّنِ الخطأ فی المفهوم:

۱) اصطفی من جماعته فئة ممّن لم یکن آیسًا و جبانًا!

۲) قام بانتقاء صفوة من البطلة و أصحاب العمل!

۳) إختار بعضًا ممّن کان من الآملین و الشّجعان!

۴) بدأ یزوّد جیشه بأفراد خبراء کهول محنّکین!

۸- «تأثیر زبان عربی در زبان و ادبیّات فارسی محدود به دخول تعدادی کلمات عربی در این زبـان نمانـد، بلکه بتدریج مقدار قابل توجّهی از ترکیبات و تعبیرات و امثال عربی هم در زبان فارسی رایج شد!»:

۱) لم یبقَ تأثیرُ اللّغة العربیّة فی اللّغة الفارسیّة و آدابها محدودًا بدخول عدد من الألفاظ العربیّة فی هذه اللّغة، بل شاع تدریجیًّا کَمٌّ لایستهان به من الترکیبات و التعابیر و الأمثال العربیّة فی اللّغة الفارسیّة!

۲) إنّ تأثیر اللّغة العربیّة علی الأدب الفارسیّ و محاورتها لم یبق محدّدًا بورود بعض الکلمات العربیّة فی هذه اللّغة، بل راج تدریجیًّا کمٌّ یلفت النظر من ترکیبات و تعبیرات و أمثال عربیّة فی هذه اللّغة!

۳) ما بقی أثر اللّغة العربیّة فی الأدب الفارسی و لسان التکلّم محصورًا بظهور بعض المفردات العربیّة داخل اللّغة الفارسیّة، بل تدرّج قسم ملحوظ فی هذه اللّغة من التراکیب و التعبیرات و أمثالها!

۴) أثر اللّغة العربیّة فی اللّغة الفارسیّة و آدابها ما بقی محدودًا بإدخال قسم لَابأس به من مفردات عربیّة فی اللّغة الفارسیّة، بل تدرّجًا شاع فیه من تراکیب و أمثال و حِکَم!

۹- «در سال ۱۴ بعثت، پیامبر اکرم و مسلمانان که مکه را محیطی نامساعد برای ادامهٔ حضور خـویش می‌دیدند، یثرب را جایی امن یافتند و به آن شهر هجرت کردند، و بدین‌ترتیـب اسـلام وارد مرحلـهٔ جدیدی از توسعهٔ خود شد!»:

۱) فی السنة الرابعة العشرة من البعثة رأی النبیّ الأعظم و المسلمون أنّ مکّة تشکّل وسطًا غیر مناسب لاستمرار حضورهم فیها و أنّ یثرب تشکّل مکانًا آمنًا لهم فهاجروا إلی هذه المدینة، و هکذا دخل الإسلام مرحلة جدیدة من توسّعه!

۲) فی السنة الرابعة عشرة من البعثة وجد النبیّ الأکرم و المسلمون الّذین کانوا یرون فی مکّة وسطًا غیر ملائم لاستمرار تواجدهم، أنّ یثرب تمثّل مکانًا آمنًا لهم فهاجروا إلیها، و هکذا دخل الإسلام مرحلة جدیدة من انتشاره!

۳) فی العام الرابع عشر من البعثة تبیّن للنبی الأعظم و لمن أسلم معه و هم وجدوا وسطًا غیر مناسب لإدامة بقائهم فیها و أنّ یثرب تمثّل مکانًا مأمونًا لهم فهاجروا إلیها، و بهذا الترتیب بدأ الإسلام مرحلة حدیثة من توسّعه!

۴) فی عام الرابع عشر من البعثة واجه النبیّ الأکرم و الّذین أسلموا أنّ مکّة لیست مکانًا ملائمًا لاستمرار حضورهم، فقاموا بالهجرة إلی مدینة یثرب، و بهذا الترتیب شرع الإسلام مرحلة حدیثة من انتشاره!

۱۰- «صندوق بین‌المللی پول پیش از آنکه با اعطای وام به کشورهایی که سخت نیازمند آن هسـتند موافقت کند، شرط‌های اهانت‌آمیزی را برای آنها می‌گذارد!»:

۱) صندوق النّقد الدّولی یفرض علی الدّول شروطًا مهینة قبل الموافقة علی منحها قروضًا تحتاج إلیها بشکل ضاغط!

۲) یفرض صندوق العملة الدولیّة علی الدّول شروطًا هیّنة قبل موافقته علی إعطاء القروض الّتی تحتاج إلیها بشدّة!

۳) یحمّل صندوق العملة الدولیّة الدّول شروطًا مستهینة قبل أن یوافق علی إعطاء الدّیون الّتی بحاجة ماسّة إلیها!

۴) الصندوق الدّولی للنقد یجعل للدّول الّتی تحتاج إلی قروض شروطًا مهینة قبل الموافقة علی ذلک الأمر!

■■ عَيِّنِ المناسب فی الجواب عن الإعراب و التّحليل الصّرفی (۱۱–۱۵)

۱۱– (قُلنا يا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَ زَوجُكَ الجَنَّةَ وَ كُلا مِنها رَغَدًا حَيثُ شِئتُما). عَيِّنِ الخطأ:

۱) آدَم: اسم تفضيل و ممنوع من الصرف؛ زوج: معطوف و مرفوع بالتبعيّة للمعطوف عليه ضمير «أنتَ» البارز

۲) اسْكُن: فعل و فاعله الضمير المستتر فيه وجوبًا تقديره «أنتَ»؛ و «أنتَ» البارز مؤكّد لفظی و مرفوع محلاً بالتبعيّة

۳) حيث: ظرف أو مفعول فيه للمكان و متعلّقه فعل «كلا»، أو بدل من الجنّة و منصوب محلاً بالتبعيّة؛ شِئتُما: جملة فعلية و مضاف إليه و مجرور محلاً

۴) كُلا: فعل أمر و مهموز الفاء و مبنی علی حذف نون الإعراب؛ رغدًا: صفة لمصدر محذوف تقديره «أكلاً رغدًا» أو مصدر فی موضع الحال تقديره «مستطيبين متهنّئين»

۱۲– «فإن أكُ قد أوتيتُ مالاً فلم أكن / به بَطِراً، فالحالُ قد يتحوّلُ!». عَيِّنِ الخطأ:

۱) أُوتِيتُ: فعل ماضٍ من باب إفعال، مبنی للمفعول أو للمجهول، نائب فاعله الضمير البارز، و «مالاً» مفعول به ثانٍ

۲) أكُ: فعل شرط و مجزوم بحذف النون (أصله: أكن)، ومن الأفعال الناقصة اسمه ضمير «أنا» المستتر فيه وجوبًا

۳) أكن: مضارع للمتكلّم وحده، معتلّ و أجوف و قد حذفت حرف العلّة لرفع التقاء الساكنين، وكذلک يجوز حذف لام الفعل

۴) يتحول: مضارع من باب تفعّل، فاعله الضمير المستتر فيه جوازًا، و الجملة فعلية و خبر و الرابط الضمير المستتر، و «قد» حرف للتقليل أو التوقّع

۱۳– «رُبَّ فتيةٍ دعوتُ إلی ما / يورث المجد دائبًا، فأجابوا!». عَيِّنِ الخطأ:

۱) ربّ: حرف جرّ شبيه بالزائد، ربّه: جار و مجرور و متعلّقهما محذوف؛ فتية: تمييز و منصوب

۲) دعوتُ: فعل ماضٍ للمتكلّم وحده، فاعله الضمير البارز، و الجملة فعلية و خبر للمبتدأ ضمير الهاء فی «ربّه»

۳) يورث: مضارع من باب إفعال، معتلّ و مثال، فاعله الضمير المستتر فيه جوازًا، و الجملة فعلية و صلة للموصول «ما»

۴) أجابوا: ماضٍ من باب إفعال، معتلّ و أجوف و له الإعلال بالقلب، مبنی علی الضمّ، فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة فعلية

۱۴– «يا أيّها الراكبُ المُزْجی مطيَّتَه / سائل بنی أسدٍ: ما هذه الصوتُ!». عَيِّنِ الخطأ:

۱) بنی: جمع سالم للمذكر بالإلحاق و منصوب بالياء علی أنّه مفعولبه للفعل «سائل»، و «أسدٍ» مضافإليه

۲) الراكب: اسم فاعل (مصدره: ركوب)، و نعت و مبنی علی الضمّ بالتبعيّة للمنعوت «أیّ» النكرة المقصودة

۳) مطيّة: صفة مشبّهة يستوی فيها المذكر و المؤنث، و التاء للنقل، و نائب فاعل لشبه الفعل «المزجی»

۴) الصوت: اسم مذكر، مؤوّل بالتأنيث مريدًا به «الضجّة أو الصرخات» من باب المؤنث التأويلی

۱۵- «إن مُتّ فی هواها، دعنی أمُت فداها / یا عاذلی ثناها، ذرنی و ما أُلاقی!». عَیِّنِ الخطأ:

۱) أمُت: مضارع، معتل و أجوف، جواب طلب و مجزوم علی أنّه جواب لشرط محذوف، علامة جزمه حذف حرف العلّة

۲) ما: موصول عامّ و مفعول معه، و «أُلاقی» مضارع من باب مفاعلة و الجملة الفعلیة صلة و عائدها محذوف تقدیره «أُلاقیه»

۳) دع: فعل أمر من مجرّد ثلاثی، معتل و مثال (له إعلال الحذف)، و فاعله الضمیر المستتر فیه وجوبًا تقدیره «أنت» و الجملة فعلیة و طلبیة

۴) عاذل: مشتق و اسم فاعل، منادی مضاف و منصوب بفتحة مقدّرة، و الیاء فی محلّ نصب علی أنّها مفعول‌به لشبه الفعل «عاذل»، و «ثنا» مفعول به ثانٍ أو منصوب بنزع الخافض

■■ عَیِّنِ المناسب فی الجواب عن الأسئلة التالیة (۱۶-۳۰)

۱۶- عَیِّن نوع الإعلال فی «تَنسَینَ» للمخاطبة و للمخاطبات:

۱) بالقلب فقط / بالإسکان
۲) بدون إعلال / بالحذف
۳) بالحذف / بالإسکان فقط
۴) بالقلب والحذف / بدون إعلال

۱۷- عَیّن الخطأ عن الجمع المکسّر:

۱) ظُفْر ← أظفار (قلّة) ← أظافیر (جمع الجمع و منتهی الجموع) / حِلیة ← حُلی (کثرة)
۲) ضِلع ← أضلع (قلّة) ← أضالع (قلّة و جمع الجمع) / أنملة ← أنامل (جمع الجمع)
۳) قطعة ← قِطَع (کثرة) / سفرجل ← سفارج (منتهی الجموع)
۴) إکلیل ← أکالیل (منتهی الجموع) / صورة ← صُوَر (کثرة)

۱۸- عَیّن الخطأ عن دخول نون التّوکید علی الأفعال:

۱) یا رجالُ؛ هل تَنهَوُنَّ عن خلقٍ و تأتُنَّ بمثلِه!
۲) فیَنَّ بعهدِک حیثُما عاهدتَ امرأً!
۳) ألا لیتَ الغافلاتِ یَخرُجنانَّ عن طریق الغیّ!
۴) و اللهِ لسوفَ أخدمنَّک برغبةٍ!

۱۹- عَیّن الخطأ (فی القسم):

۱) أُقسم و اللهِ لأُؤدِّبَ المُدبرَ عن الحقّ!
۲) و الّذی بعثه بالحقّ لَتُبلبلُنّ بلبلةً!
۳) أُقسم بالله من غررتموه فهو مغرور!
۴) تاللهِ أصبحتُ لا أُصدّق قولَکم!

۲۰- عیّن ما لا یجوز فیه حذف العائد:

۱) جاء الّذی أنا صاحبه!
۲) فاقضِ ما أنت قاضیه!
۳) جاء الّذی أنا أخوه!
۴) و یَشرب ممّا تشربون منه!

۲۱- عیّن ما فیه شبه فعل عامل فی المرفوع ظاهراً:

۱) إنّ عصیانَ العالِم النصائحَ، یورث لنا الندامةَ!

۲) إنّ الطّلبةَ المختلفةَ آراؤهم یدرسون فی جامعة واحدة!

۳) الاجتماعُ و الثّبات فی کلّ شیءٍ ناصرُ الإنسان و لو خطأً!

۴) أنتم الطّلّاب أکثرُ النّاس تأثیراً علی حرکة العلم فی المجتمع!

۲۲- عیّن الصّحیح بعد دخول «کان» علی الآیة الشریفة (هو اللهُ أحَدٌ) مراعیًا بناءها:

۱) کان هو اللهُ أحدًا!

۲) کان اللهُ أحَدٌ!

۳) کان اللهُ أحدًا!

۴) کان اللهُ أحَدًا!

۲۳- عیّن الصّحیح:

۱) ما الأحرارُ ممقوتین لکن مکرّمین!

۲) ما الخیّرین إلّا مثابین علی عملهم!

۳) ما المنافقُ فائزاً و لا مرتاحًا!

۴) ما المتکاسلُ ناجحًا بل خاسراً!

۲۴- عیّن الجواب الّذی یکون «عسی» فیه من أفعال المقاربة فقط:

۱) عسی أن ینجحَ الطّلّابُ فی الامتحان!

۲) ﴿عسی أن یبعثَک ربُّک مقامًا محمودًا﴾

۳) عسی أن ینجحَ فی الامتحان الطّلّابُ!

۴) ﴿عسی أن تکرهوا شیئًا و هو خیرٌ لکم﴾

۲۵- عیّن الخطأ (فی باب التّحذیر):

۱) المَلَقَ المَلَقَ للّئیم، و إیّاک أن تتذلّل له!

۲) المماتَ المماتَ، و إیّاکنّ من لقائه بَلاعدةً!

۳) نفسَکم والانهماکَ فی الملذّات و إیّاکم و الإفراط فیها!

۴) الإهمالَ الإهمالَ، و إیّاکِ تتکاسلی فی القیام بواجباتک!

۲۶- عَیّن الخطأ (فی باب التّنازع):

۱) رغِبتُ عنهما و أکرمنی الوالدانِ!

۲) یَأتون و یسلّم علیک الضیوفُ!

۳) أکرمنی و رغِبتُ عنهما الوالدانِ!

۴) یَأتی و یسلّمون علیک الضیوفُ!

۲۷- عیّن الخطأ (فی التّعجّب):

۱) ما یکون أحسنَ البدرَ طالعًا!

۲) ما أجملَ ما کان طلوعُ البدر فی اللّیل!

۳) ما أحسنَ ما یکون البدر طالعًا!

۴) ما کان أطیبَ عند الأسحار هبوبَ النسیم!

۲۸- «دخلتُ القاعة و الطّلبةُ جالسون على كراسيّهم!». عيّن الخطأ عمّا أُشير إليه بخطّ:

۱) الجملة حاليّة و مؤوّلة بالقول «متأخّرًا»!

۲) الجملة فی محلّ نصب و الواو قبلها رابط!

۳) الجملة حاليّة و فی محلّ نصب، و رابطها ضمير «هم» المتّصل!

۴) الجملة من الأحوال الّتی حكمها حكم الظّرف، فعرّيت الجملة نفسُها عن الضّمير الرابط!

۲۹- «ينجح الطّلبةُ فی الامتحان و لاسيّما ... منهم!». عيّن الخطأ للفراغ:

۱) المجتهدينَ ۲) هو المجتهدُ ۳) الّذی يجتهد ۴) المجتهدون

۳۰- عيّن الخطأ فی إعراب تابع المنادی:

۱) ﴿يا جبالُ أوِّبی معه و الطَّيرَ﴾ ۲) يا جنودُ أجمعون!

۳) يا رزّاقُ ذو القوّة المتينُ! ۴) يا تلاميذُ كلّكم!

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۳۱-۴۰)

۳۱- عيّن الخطأ فی دواعی تعريف المسند إليه:

۱) ﴿فذلكنّ الّذی لُمتنّنی فيه﴾ عُرّف المسند إليه باسم الإشارة لإظهار الاستغراب!

۲) ﴿و جاء السحرةُ فرعون﴾ عُرّف المسند إليه بأل الجنسيّة للإشارة إلى كلّ الأفراد مقيّدًا!

۳) «أهلكَ النّاسَ الدّرهمُ والدّينار» عُرّف المسند إليه بأل الجنسيّة للإشارة إلى الحقيقة فی ضمن فرد مبهم!

۴) ﴿إنّ الّذين يستكبرون عن عبادتی سيدخلون جهنّم داخرين﴾ عرّف المسند إليه بالموصوليّة للإشارة إلى الوجه الّذی يبنی عليه الخبر!

۳۲- «أنشأ يُمزّق أثوابی يُؤدّبنی / أ بعدَ شيبی عندی يبتغی الأدبا». عيّن الخطأ:

۱) قُدّم الظرف و هو «بعد» فی المصرع الثانی لأنّه محطّ الإنكار!

۲) شبه كمال الاتّصال بين جملتی «أنشأ» و «يؤدّبنی»!

۳) الإطناب بالتّذييل و ليس فيه توشيع!

۴) الاستفهام فيه للتوبيخ!

۳۳- عيّن الخطأ فی التقديم:

۱) ﴿فأمّا اليتيمَ فلا تقهر﴾ قدّم المفعول به للتخصيص!

۲) «يدُ المعروف غُنمٌ حيثُ كانت» تقديم المسند إليه لم يكن لداعٍ دلالیّ!

۳) «ما كلُّ ما يتمنّی المرءُ يدركه» تقديم النّفی على العموم يفيد نفی الشمول!

۴) ﴿و لكم فی الأرضِ مستقرٌّ و متاعٌ إلى حينٍ﴾ قدّم المسند للتّذييل من أوّل الآمر على أنّه خيرٌ لا نعتَ!

۳۴- عیّن الخطأ: إذا قلتَ: ...

۱) «ما أناَ فُعِلتُ»؛ کنتَ نثیتَ عنا فعلًا ثُبتَ أنّه مفعولٌ!

۲) «ما فُعِلتُ»؛ کنتَ نثیتَ عنا فعلًا لم یُثبتْ أنّه مفعولٌ!

۳) «ما أنتَ رأیتُ إلّا زیدًا»؛ هذا الکلام قصیح، و کنتَ قد نثیتَ أنّ نکونَ رأیتَنا زیدًا!

۴) «ما أنتَ رأیتُ أحدًا فی البَلدَة»؛ کنتَ نثیتَ أنّ نکونَ رأیتُنا «أحدٌ» مرتّی و هذه الجملة غیرُ قصیحة!

۳۵- عیّن الصّحیح لإکمال الفراغات فی النّصّ التالی:

«و أما دخولُ «لوْ» علی المضارع فی نحو قولِه تعالی (لو یطیعُون فی کثیرٍ من الأمْرِ لَعَنّمُوهمْ) فالقصد فیما مضی وَفقاً لقولِنا، کما فی قولِه تعالی (واللّهُ یستعذُّ بِعِضْکِمْ) فإنّ «بستعذُّ» یفید الاستمراع و تجذّذَه وفقاً بعدِ وقتَه، و دخولُ «لوْ» علی المضارع فی نحو (و لو تری إذ وَقَفوا علی النّارِ) فإنّما هو لِـ...».

۱) تقریـر – ثبوت – تقطیع المضارع

۲) استمرار – ثبوت – تهویل صورة المضارع

۳) استمرار – حدوث – تنزیل المضارع منزلة الماضی

۴) تقریـر – حدوث – تنزیل المضارع منزلة المستقبل

۳۶- قال الله تعالی (فأخرج لهُم عجلًا جسدًا له خوارٌ) عیّن الصّحیح: فی الآیة ...

۱) استعارة و طرفاها حسیّة و الجامع حسّی

۲) استعارة و طرفاها عقلیّة و الجامع عقلی

۳) تشبیه و طرفاه حسّی و الوجه حسّی

۴) تشبیـه و طـرفاه عقلیّـ و الوجه عقلیّ

۳۷- عیّن الصّحیح فی غرض التشبیه:

۱) أصبحـت مـن لیلـی الغـداة کقـابضٍ / علی الماءِ خانتَه فروجُ الأصابعِ! (مقدارِ حالِ المشبّه)

۲) مـا قُوبلت عیناه إلّا ظُنّتَا / تحت الدُّجی نارِ الفریقِ حُلولا! (تقریرِ حالِ المشبّه به)

۳) و تَفتَـحُ ـ لا کانـت ـ فمًـا لـو رأیتـه / تَوَهّمتَهُ بابًا مِن النارِ یُفتَح! (إمکانِ حالِ المشبّه)

۴) و کـم أبٍ قـد علا بابنٍ ذُرا شرفٍ / کما علا برسولِ اللّهِ عدنانُ! (إمکانِ المشبّه)

۳۸- عیّن العلاقة باعتبار «ما یکون» فی الجملات التالیة:

۱) لاتکنَ أُذُنًا تتقبّلُ کلّ وشایةً!

۲) مَن قَتَلَ قتیلًا فلهَ سلبُه!

۳) فی رحمةِ اللهِ هم فیها خالدونَ!

۴) سقتِ الدّلوُ الأرضَ!

۳۹- عَیّن المحسِّنة البدیعیّة الّتی یخلُو منها البیتُ التّالی:

«فَضَحتَ الحَیاءَ و البِرّ جَودًا فَقَد بَکی ا... خَیًا مِنْ حِیاءِ مَنْکَ و التّظُمُ البِحرَ»

۱) المبالغة ۲) التقسیم ۳) الممانعة ۴) حسن التعلیل

۴۰- عَیّن الصحیح فی نوع القافیة فی البیت التّالی:

«بانَت سَعادُ فقلبی الیومَ مَقبولٌ / مُتَیّمٌ إثرُها لم یُفَدْ مَکبولُ»

۱) مجرّدة مطلقة ۲) مُردَفة مطلقة ۳) مؤوّسة مردفة ۴) مردفة مقبّدة

■■ عَیّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالیة (۴۱-۷۰)

۴۱- عَیّن الصحیح فی تقسیم الأدب من ناحیة أصالة لغته:

۱) أدب قدیم، أدب محضرم، أدب مولد، أدب محدث

۲) أدب قدیم، أدب إسلامی، أدب عتباسی، أدب نهاضة

۳) أدب جاهلی، أدب إسلامی، أدب أموی، أدب عتباسی

۴) أدب جاهلی، أدب محضرم، أدب إسلامی، أدب عتباسی

۴۲- عَیّن الصحیح فی خصائص الشّعر الجاهلی:

۱) یتّم عن عمق التفکیر و الخیال و متانة فی السّبک و سلاسة و موسیقی فی التعبیر!

۲) یتّصف بُدقّة الوصف و استکمال الصورة الحسّیّة و التفکیر الّذی یخلُو من التّحلیل!

۳) أکثره مقطوعات غارقة فی الخیال غالِب علیه النظرة التّحلیلیّة و اتّصف بجمال النّقم و موسیقاهم!

۴) أکثره مقطوعات و آیات، غالِب علیه النّزعة الانغرادیة القلیلیّة و الماتیّة و الواقعیّة فدائق نطاق خطابه!

۴۳- عَیّن الصحیح للفراغ: «... حیثما یهجو یدخل مع المجوّبین فی جدل منطقی یرَدّ به علی الحجج الّتی فی وسعهم أن یتّرعوا بها کما فعل فی هجائه لأنّ حسن بالبیت الشهیر الّذی سمّی لأجله قاضی الشّعراء»

۱) زهیر بن أبی سلمی ۲) النابغة الذبیانی

۳) طرفه بن العبد ۴) عمرو بن کلثوم

۴۴- عَیّن الصحیح:

۱) أقدم شعر وصل إلیّنا هو المعلّقات السّبع!

۲) نظم الشّاعر الجاهلی أکثر شعره علی أوزان قصیرة التّفاعیل!

۳) من أهمّ شعراء المدرسة الأروسیّة فی الجاهلیّة: النابغة و زهیر و الحطیئة!

۴) عدّی بن زید کان یمثّل النموذج الواضح الکامل للصّعکة فی الجاهلیّة لذلک سمّی بعروة الصّعالیک!

۴۵- عَیّن الخطأ:

۱) فی القائض نظم الشّاعر قصیدة فی الفخر بقیتله و هجاء خصوصا فیُرَدّ علیه بقصیدة علی وزن قصیدته و رروبیّها!

۲) النقائض مناظرات شعریّة قامت علی غرار المناظرات العقلیّة و امترجت بسدریّة لادغّ بالقلبیّة!

۳) إنّ النقائض هی أهجّ بالمعنی القدیم الّذی کان یفهمه العرب فی الجاهلیّة الهجاء!

۴) العصبیّات القبلیّة أدّت الی اشتعال نیران الهجاء بین القبائل و تحوّل شعر الهجاء الی نفاقض!

۴۶- عَیّن الصحیح للفراغ: «إثّ ... رأس المذهب الشّعامی إلاّ أنه لم یترّک مع أیّی تتما إلّا مجازًا و هو الّذی شهد جدّه الأعلی مؤتةً (۸ هـ. ق) ومعظم رُفّاقه فی ألّ البیت!

۱) الکمیت ۲) دبیل الجزء الخصّی

۳) کثیّر عزّة ۴) دعبل بن علی الخزاعی

۴۷- عَیّن الصحیح عن مؤلّفی هذه الکتّب علی التوالی: «مجازات الأثَل التبویّة، درّة البُلولَع فی أوهام الخواصّ، الأفراح»

۱) الشریف الرضی ـ الحریری ـ ابِی قتیة ۲) الشریف الرضی ـ الحریری ـ الصولی

۳) الشریف الرضی ـ الحافظ ـ الصولی ۴) الحریری ـ الشریف الرضی ـ ابِن قتیة

۴۸- عَیّن الصحیح عن هؤلاء الکتّاب:

۱) جمع التّعالی فی بیتیة الدهر أخبار الشعراء و الکتّاب و علماء عمره!

۲) صنف ابِن قتیبة کتاب الشعر و الشعراء و کان بحبّ الجاحظ و یتبعه فی أسلوبه!

۳) کان أبو العتابس من أعلام رجال العلم و الأدب و ممثّلاً لذهب الکوفة فی النحو و أشهر أثاره کتاب «الکامل»!

۴) یُعرف أبوبکر بالسّطرنجی لمهارته بعبعة الشّطرنج و کان من أکابر علماء الأدب، و من مؤلّفاته کتاب «أخبار أبِی تمام»!

۴۹- عَیّن الصحیح للفراغ: «إثّ ... هو الأدیب الّذی تحمّلَ فی مؤلّفاته آثار الفلسفة الیونانیّة و الحکمة الهندیّة و الفارسیّة!»

۱) الجاحظ ۲) ابِن المقفّع ۳) ابِن العبید ۴) سهل بن هارون

۵۰- عَیّن الصحیح: «من أصحاب المنهج الکلامی فی النقد العربی القدیم ...»

۱) ابِن بشر الأمدی ۲) قدامة بن جعفر ۳) ابِن قتیبة الدینبوری ۴) ابِن سلاّم الجمحی

۵۱- عَیّن الخطأ عن العصر المملوکی:

۱) إنّن من الظّلم أن نواخذ أتباع العصر بمنطق عصر آخِر دون رعایة لظروعه ثم نوّلنیهما!

۲) هذه الفترة مظلومة إذ سمّیّت تسبیّة فیها قلیل من الصواب و کبیر من الخطأ و الباطل!

۳) ربما لم نجِد عصراً من عصور تاریخ الأدب أکثر منه فراغًا من روائع الشعر!

۴) إنّن هذا العصر حفظ کنوز حضاراتنا العربیّة لغویًّا و أدبیًّا و فکریًّا!

۵۲- عَیّن الخطأ فی باب التّنازع:

۱) رَغِبتُ عنهما و أکرمنی الولدانَ!

۲) باثُونِ و یسأمونِ علیک الصّنیوفَ!

۳) أکرمنی و رغِبتُ عنهما الولدانِ!

۴) بَأثِنی و یسأمونِ علیک الصنیوف!

۵۳- عَیّن الخطأ (فی التّعجب):

۱) ما یکون أحسنَ البدرِ طلعًا!

۲) ما أحبَلَ ما کان طلوعِ البدر فی اللّیلِ!

۳) ما أحسنَ ما یکون البدرُ طلعًا!

۴) ما کان أطیبَ عند الأسحار هبوبَ النسیم!

۵۴- «دخلتَ القاعة و الطلّبة جالسون علی کراسیّهم!». عَیّن الخطأ عنما أشیر إلَیه بخَطّ:

۱) الجملة حالیّة و مؤوّلة بالقَولِ «متّکلزًا!»

۲) الجملة فی محلّ نصب و الواو قِبَلها رابطَ!

۳) الجملة حالیّة و فی محلّ نصب، و رابطها ضمیر «هم» المتّصل!

۴) الجملة من الأحوال الّتی حکمتا حکم الظرف، فغُرّیت الجملة نفسُها عن الضمیر الرابط!

۵۵- «ینجح الطلّبة فی الامتحان و لاسیفما ... منهم!». عَیّن الخطأ للفراغ:

۱) المجتهدین ۲) هو المجتهد ۳) الّذی یحتَد ۴) المجتهدون

۵۶- عَیّن الخطأ فی إعراب تابع المنادی:

۱) یا جبلًا أُوتیَ مُحَبّة و الطِّرْ!

۲) یا جنوبًا أجموعن!

۳) یا رَتّاقًا ذو القُوّة المُتینْ!

۴) یا تلامیذًا کُلّمْ!

۵۷- عَیّن ما لیس من خصائص المدرسة الکلاسیکیة:

۱) شکلیة اللغة و الاهتمام بصورتها

۲) الوجهة التعلیمیة و الأخلاقیة

۳) الفردیة و تضخّمها

۴) الابتعاد عن اللّغة العامیّة

۵۸- عَیّن ما لیس من عوامل ظهور المذهب الرومانسی العربی:

۱) المجلّات و الصّحف الدّاعیة

۲) الانتقادات الّتی وجّهت إلی الواقعیین

۳) التّجمعات الأدبیة المجدّدة

۴) معاناة الجیل بعد الحرب العالمیة الأولی

۵۹- عَیّن الصحیح للفراغ: «الوحدة العضویّة للقصیدة هی من خصائص مدرسة ... فی الشّعر العربی المعاصر!»

۱) أبوللو! ۲) الدیوان! ۳) الإحیاء! ۴) المهجر!

۶۰- عَیّن ما لا یناسب بتاتًا عن الأسلوبیة!

۱) «التناصّ» و «الانزیاح» لا یرتبطان بالأسلوبیة بخلاف «الاختیار» و «الاستبدال»

۲) الدراسات الأسلوبیة تتبنّی أحیانًا المنهج الإحصائی الّذی یبتعد عن شعریّة النّص!

۳) إنّ الأسلوبیة هی دراسة الانحرافات اللغویة عمّا هو مألوف فی اللغة!

۴) إنّ الأسلوبیة وریث البلاغة و إنّها بدیل فی عصر البدائل!

۶۱- عَیّن الصحیح عن منهج هؤلاء النقّاد المعاصرین:

۱) لویس عوض: المنهج التفکیکی ۲) شکری عیاد: المنهج الاجتماعی

۳) عبدالله الغذامی: المنهج الشکلی ۴) کمال أبودیب: المنهج البنیوی

۶۲- عَیّن الصحیح:

۱) إنّ العقّاد فی کتابه «ابن الرومی حیاته من شعره» یجسّد اتّجاه التحلیل الاجتماعی من خلال شرح أحداث حیاة الشاعر و أحواله و عاداته من خلال شعره!

۲) یعتقد العقّاد من مجموعة الأدباء المعاصرین أنّ النقد الاجتماعی أحقّ مدارس النقد للاتباع، فعلینا أن نتّخذه فی أعمالنا الأدبیّة!

۳) من أهمّ سلبیّات المنهج النفسی عدم إمکانیة عقد علاقة سببیّة بین العامل النفسی من ناحیة و الإبداع ذاته من ناحیة أخری!

۴) النقد النفسانی لا یستطیع أن یفسّر لنا الفوارق بین مائة شاعر أو کاتب فی مجتمع واحد بل فی مجتمعات متناثرة!

۶۳- عَیّن الصحیح عن المنهج النفسی:

۱) فی نظرة رائد المنهج النفسی «فروید» إنّ الدافع الجنسی هو الأساس فی أعمال الإنسان حیث إنّه واعٍ به!

۲) «یونج» تلمیذ فروید علی خلاف أستاذه یعتقد أنّ الدافع الرئیس فی عمل الإنسان جمعیّ لا فردیّ!

۳) الناقد فی هذا الاتّجاه یرکّز علی فهم الأسباب الحقیقیة الّتی دفعت الماتن إلی إبداع أثره من البیئة و الحوادث و الأشخاص!

۴) الأدیب فی النقد النفسی یعتنی بعالم یقع فیه النّفس و هو عالم الأشیاء و ما هو مؤثّر فی تکوین الواقع الخارجی!

۶۴- عَیّن الصحیح:

۱) علی أساس الاتّجاه النفسی إنّ الفنان حین یقوم بحذف شیء أو ذکره بالإطناب فی عمله یفطن إلی ذلک!

۲) الرؤیة النرجسیّة من اتّجاهات المنهج النفسی فی عملیة فهم النص حیث إنّ الفرد یغرق فی حبّ الآخرین و ثنائهم!

۳) الهدف النهائی من تفسیر التحلیل النفسی للعمل الفنی یکمن فی تفسیر ظاهرة العمل و الاهتمام بالصورة و الشکل أکثر من المعنی و الأسلوب!

۴) الفنّان عند فروید عصابیّ یلوذ بعالم الخیال حیث یجد هناک ما یعوّضه عن عدم إشباع رغباته فیحمی نفسه عن طریق أثره من الجنون!

۶۵- عَیّن الخطأ:

۱) من بین المدارس الأدبیّة هی مدرسة «الرمزیّة» الّتی تعتمد علی التعبیر عن العناصر غیر العاقلة فی الشعور!

۲) إنّ القصّاصین خاصّة هم الذین أخذوا یرسمون شخوص روایاتهم علی أساس «تیّار الوعی» فاستفادوا من نظریّة فروید!

۳) کان فروید یعتقد أنّ الأدباء أدری بأسرار النّفس و اللّاوعی؛ فعلی علماء النفس الإفادة من مکنونات الأعمال الأدبیّة!

۴) النقد السیکولوجی الّذی یرکّز علی المؤلّف فی عملیّة فهم النصّ قد تأثّر کثیراً بمنحی فروید فی ما یتعلّق بفهم الأثر الأدبی!

۶۶- عَیّن الخطأ:

۱) علی أساس المنهج التاریخی أبوالعلاء ثمرة من ثمرات عصره؛ قد عمل فی إنضاجها الزمان و المکان و البیئة!

۲) النقد التاریخی یندرج تحت المنظومة السیاقیة لأنّه یسلّط الأضواء علی جوانب لها علاقة بالعمل الأدبی!

۳) کان طه حسین وعقّاد یؤکّدان کثیراً علی ضرورة معرفة البیئة فی نقد الشّعر لکلّ أمّة و جیل!

۴) المنهج التاریخی یفسح مجالًا مناسبًا للعبقریّة الشخصیّة فی إنتاج الآثار الأدبیة و الفنیة!

۶۷- عَیّن الصحیح:

۱) فی المنهج الأسطوری یکتفی الناقد بفهم الطقوس و المعتقدات و عادات المجتمعات البدائیة و أثرها فی تولید الأثر الفنی!

۲) المنهج الأسطوری نشأ بین أحضان علوم ثلاثة: مدرسة التحلیل النفسی، الدراسات الانثروبولوجیة، الفلسفة الرمزیة!

۳) إنّ الأساس الذی قام علیه المنهج الأسطوری یتمثّل فیما عرف بـ «اللاشعور الفردی» الّذی نادی به فروید!

۴) المنهج الأسطوری من المناهج التی تتبنّی علی المنهج السیاقی!

۶۸- عَیّن الخطأ:

۱) إنّ الشعر الجاهلی قد فاز بنصیب عظیم من الدراسات الأسلوبیة بسبب انتشار الوثنیّة و عبادة الآلهة و اقترابه من منابع الفطرة الأولی للعقلیة العربیة البدائیة!

۲) إنّما الدراسات الأسطوریة تدرس الخرافات لأنّها حکایات بطولیة أبطالها فی الغالب من البشر أو من الجنّ و لیس لها علاقة بالآلهة و المعتقدات الأوّلیّة!

۳) إنّ أبرز المآخذ التی تؤخذ علی المنهج الأسطوری هو أنّ نقدهم لم یخل من الانطباعیّة الّتی یجب أن یکون النقد الموضوعی بمنجاة منها!

۴) من عیوب المنهج الأسطوری هو أنّ الحدود الفاصلة بین الفنّ و الأسطورة و بین الفنّ و الدّین فیه تختفی!

۶۹- عَیّن الخطأ عن المنهج البنیوی:

۱) لیس من مهمّة هذا المنهج بیان جودة النصوص أو رداءتها ولکنّه یحاول کیفیّة ترکیباتها و المعانی الّتی تنطوی علیها عناصر النصّ فی تألفها!

۲) البنیویة طریقة وصفیّة فی قراءة النصّ الأدبی تستند إلی خطوتین أساسیتین و هما التفکیک و الترکیب!

۳) إنّ البنیویة التکوینیّة زاوجت بین الرؤیا الاجتماعیة و بنیة النص فأوجدت اتّجاهًا نقدیًّا جدیدًا!

۴) إنّ البنیویة تبنّت القول بأنّ النصّ هو طفل المؤلّف و إنّه یعبّر عن ذاته!

۷۰- عَیّن الخطأ:

۱) فی النقد الموضوعی یعتمد الناقد علی المنطق و الحجج العقلیة و یجتنب ما لم یکن له أُسّ!

۲) فی النقد الذاتی یعتمد الأدیب علی مشاعر المخاطب و أحاسیسه فیحاول أن یتسرّب إلی ذوات الأشیاء!

۳) نقد النصّ بحاجة إلی رؤیة موضوعیّة مؤطّرة، کما یحتاج إلی رؤیة ذاتیة تعتنی بما یجیش بصدر الناقد!

۴) فی النقد الانطباعی یعتنی الناقد بالتجارب و الوقائع الّتی رآها و عاش معها فإنّه نقد تجریبی یعتمد علی التجربة و الواقع!

■■ اقرأ النصوص التالیة (الف – ب – ج – د – هـ – و) ثمّ أجب عن الأسئلة (۷۱–۱۰۰) بما یناسب النص

➢ الف (۷۱-۷۴)

قال الله تعالی فی کتابه المجید فی سورة محمّد: ﴿یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَکُمْ، إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ کُفَّارٌ فَلَن یَغْفِرَ اللَّهُ ل
هُمْ، فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَی السَّلْمِ وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَکُمْ وَلَن یَتِرَکُمْ أَعْمَالَکُمْ، إِنَّمَا الْحَیَاةُ الدُّنْیَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ، وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا یُؤْتِکُمْ أُجُورَکُمْ وَلَا یَسْأَلْکُمْ أَمْوَالَکُمْ، إِن یَسْأَلْکُمُوهَا فَیُحْفِکُمْ تَبْخَلُوا وَیُخْرِجْ أَضْغَانَکُمْ﴾

۷۱- عَیّن الخطأ:

۱) سبب عدم دفع الأموال و البخل فیه یعود إلی وجود نزعات الضّغن و الإخفاء!

۲) التّمتّع بالأجور أمر قصدی؛ فإن لم نقصد و لم ننو شیئًا فلا أجر و لا ثواب!

۳) ربّما هناک من یؤمن بالله و یتّقیه لکنّه یبخل فی تسلیم أمواله و إنفاقه کلّها!

۴) إنّ الأمور الاعتباطیة و ما یقوم به الإنسان تلقائیًا لا تتمتّع بأجر أخروی!

۷۲- عَیّن الصحیح:

۱) کما نفهم من الآیة بعد دعوة العدوّ إلی السّلم فلانقبله بل نرفضه!

۲) إذا کان الله معنا فإنّه لا یترُ من أعمالنا شیئًا!

۳) شرط إتیان أجورکم هو الإیمان بالله وحده فقط!

۴) إنّ ما نقوم به فی هذه الدنیا یُستنسخ فیبقی!

۷۳- عَیّن الخطأ:

۱) من لم یعتقد بوحدانیة الله فهذا یکفیه لئلا یکون من المغفورین!

۲) من لم یعمل کما أمر الله و رسوله کأنّه لم یعمل شیئًا!

۳) فهم کلام الله و ما قام به الرسول من لوازم الإطاعة!

۴) إنّ الکافر الذی لایصدّ عن سبیل الله فربّما یُغفر!

۷۴- عَیّن الصحیح:

۱) أنتم الأعلون = شما برتر هستید!

۲) لن یترکم أعمالکم = کارهای شما را کم نخواهد کرد!

۳) إنّما الحیاة الدنیا لعب و لهو = بی‌شک زندگی دنیا لهو و لعب است!

۴) إن یسألکموها فیحفکم تبخلوا = اگر آن را از شما بخواهند و شما را مجبور کنند، بخل می‌ورزید!

➢ ب- (۸۰-۷۵)

فی نهج البلاغة قال الإمام (ع) فی خطبة: و لقد کان فی رسول الله ما یدلّک علی مساوئ الدنیا و عیوبها، إذ جاع فیها مع خاصّته و زویت عنه زخارفها مع عظیم زلفته. فلینظر ناظر بعقله، أکرم الله محمّدًا بذلک أم أهانه! فإن قال: أهانه، فقد کذب - و الله العظیم - بالإفک العظیم، و إن قال أکرمه فلیعلم أنّ الله أهان غیره حیث بسط الدنیا له و زواها عن أقرب النّاس منه! فتأسّ متأسّ بنبیّه و اقتصّ أثره و ولج مولجه و إلا فلا